

## بررسی توزیع منافع یارانه‌ی غذا در ایران

آیت‌اله کرمی، عبدالکریم اسماعیلی و بهاء‌الدین نجفی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۵/۷

### چکیده

هدف اصلی دولت از پرداخت یارانه به بود رفاه خانوارها از طریق افزایش دسترسی به کالاها و خدمات است. ساختار فعلی نظام حمایتی و به دنبال آن پرداخت یارانه در کشور مناسب نیست، به طوری که بسیاری از اقتصاددانان پرداخت یارانه‌ی عمومی را پرهزینه می‌دانند. به همین دلیل دولت به دنبال تجدید نظر در برنامه‌های پرداخت یارانه به مواد غذایی است. در این مطالعه توزیع منافع نظام فعلی یارانه‌ی کشور میان مناطق و دهک‌های مختلف درآمدی با تعیین مصرف سرانه و در نظر گرفتن قیمت یارانه‌ای و قیمت آزاد با تاکید بر سه کالای نان، روغن و قند و شکر مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از بررسی داده‌ها در سال ۱۳۸۰ نشان داد که منافع حاصل از یارانه‌ی نان در مناطق شهری و روستایی استان‌های مختلف و همچنین گروه‌های مختلف بیش از روغن خوراکی و قند و شکر است. از طرف دیگر توزیع یارانه و منافع حاصل از آن در مناطق و گروه‌های مختلف درآمدی نیز نشان دهنده‌ی آن است که سیستم فعلی پرداخت یارانه نه تنها هدفمند نبوده، بلکه در برخی موارد به سمت گروه‌های با درآمد بالا انحراف داشته است. پس نظام فعلی پرداخت یارانه از کارایی لازم برخوردار نبوده و باعث اتلاف منابع می‌شود. بنابراین برای جلوگیری از اتلاف منابع و کاهش بار مالی دولت لازم است هدف‌مندی یارانه‌ی غذا مورد توجه قرار گیرد.

JEL: E64, H21, I32

واژه‌های کلیدی: یارانه‌ی غذا، فقر، توزیع منافع

\* به ترتیب دانشجوی دکترا، دانشیار و استاد بخش اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز.  
e-mail: aiatkarami@yahoo.com

## مقدمه

پرداخت یارانه یکی از ابزارهای مهم حمایتی دولت‌ها از بخش اقتصادی و اجتماعی به‌شمار می‌رود. در این بین یارانه‌های مصرفی که با هدف حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه پرداخت می‌شوند بیش‌ترین میزان این کمک‌ها را تشکیل می‌دهند (احمدوند و اسلامی، ۱۳۸۴). به‌گونه‌ای که هدف اصلی این پرداخت‌ها از نظر مصرف‌کننده افزایش رفاه خانوارها به‌وسیله‌ی افزایش دسترسی به کالاها و خدمات است. نکته‌ی مهم‌تر در مورد یارانه‌های مصرفی این است که به‌دلیل مصرف بیش‌تر خانوارهای پر درآمد، میزان بهره‌مندی آن‌ها نیز از یارانه‌ها بیش‌تر است. بنابراین بسیاری از اقتصاددانان پرداخت عام یارانه را برای افزایش رفاه خانوارهای فقیر بسیار پر هزینه می‌دانند. پرداخت یارانه‌های مواد غذایی هزینه‌ی بسیار زیادی را متوجه دولت‌ها کرده است و از نظر مالی برای دولت و همچنین پیامدهای اقتصادی آن همواره مورد بحث بوده است (رحیمی و کلانتری، ۱۳۷۵ و فرج زاده، ۱۳۸۲).

کاهش فقر از جمله دلیل‌های عمده‌ی پرداخت یارانه عنوان می‌شود. این امر باعث لحاظ کردن احتیاط بیش‌تر پیرامون کاهش یا حذف یارانه‌ها شده است. با این وجود نظام فعلی یارانه با معیارهای یک روش پرداخت یارانه‌ی مناسب و کارآمد تفاوت اساسی دارد، زیرا بخش اصلی یارانه‌ی مواد غذایی در ایران به‌صورت همگانی پرداخت می‌شود و سازوکار قیمت‌ها را دچار اختلال می‌کند، ضمن این‌که میزان هدف‌مندی نظام موجود بسیار پایین است. بنابراین ساختار نظام حمایتی و به دنبال آن پرداخت یارانه در کشور مناسب نیست. به‌همین دلیل اغلب دولت‌ها به دنبال تجدید نظر در برنامه‌های پرداخت یارانه به مواد غذایی هستند تا در صورت امکان از یک طرف بار مالی دولت کاهش یابد و از طرف دیگر یارانه به گروه‌های هدف تعلق گیرد (حسینی و مالکی، ۱۳۸۴). از همین رو بحث هدف‌مند کردن یارانه‌ها به افراد و گروه‌های فقیر مطرح می‌شود، چون در پرداخت عام همواره افرادی که کالای یارانه‌ای بیش‌تری مصرف یا خریداری می‌کنند بهره‌ی بیش‌تری از یارانه می‌برند، پس منافع گروه‌های پر درآمد بیش‌تر از گروه‌های فقیر جامعه است. رابطه‌ی میان سیاست هدف‌مندی یارانه و هدف کاهش فقر موضوعی مورد مناقشه میان اقتصاددانان و سیاست‌گزاران است. برخی با اعتقاد به روی‌کرد

متعارف و مرسوم اقتصادی بر این باورند که حذف یارانه‌های همگانی و جایگزینی آن‌ها با یارانه‌های هدف‌مند، کاراترین سیاست در رسیدن به هدف یاد شده است. در مقابل برخی معتقدند که کاهش فقر مستلزم به‌کارگیری سیاست‌های باز توزیع درآمدی است که در ماهیت متفاوت از سیاست هدف‌مند کردن یارانه‌ها است (دینی ترکمانی، ۱۳۸۴).

در خصوص سیاست‌های حمایتی دولت و اثرات ناشی از اجرا و چگونگی اجرای این سیاست‌ها بر فقر و رفاه جامعه مطالعه‌های مختلفی صورت گرفته است. در بررسی تاثیر سیاست‌های حمایتی، فقیهی (۱۳۶۹) به این نتیجه رسیده است که یارانه‌های پرداختی قبل از برقراری نظام سهمیه‌بندی کالاهای اساسی، بیش‌ترین انتقال درآمد را برای گروه‌های پردرآمد داشته است و کسانی که دارای مصرف بیش‌تری بوده‌اند از انتقال درآمدی بیش‌تری برخوردار شده‌اند و در نتیجه آثار مثبتی بر توزیع درآمد نداشته است. در حالی که اسلامی (۱۳۸۴) در مطالعه‌ی سیاست‌های حمایتی و نقش آن در توزیع درآمد با برآورد خط نسبی فقر در سال ۱۳۷۸، میزان یارانه و کمک‌های دولت را برای این‌که دو دهک اول را بالای خط فقر برساند ۱۰۲۹۹ میلیارد ریال برآورد کرده، در حالی که کل یارانه‌ی پرداختی در این سال ۷۰۷۱/۲ میلیارد ریال بوده است. نتایج بررسی پرداخت یارانه در گذشته نشان داده است اگر چه یارانه‌ها هدف‌مند نبوده ولی از شدت نابرابری‌ها در سال‌های گذشته کاسته شده است به‌گونه‌ای که یک درصد افزایش یارانه‌ی مصرفی، سرانه‌ی نابرابری را ۱/۳ درصد کاهش داده است. مطالعه‌ی یاد شده پیشنهاد می‌کند با توجه به این اثر در مرحله‌ی نخست برای هدف‌مند کردن یارانه‌ها، بویژه یارانه‌ی نان باید با اعمال سیاست‌هایی هزینه‌ی دستیابی خانوارهای مرفه به نان را افزایش داد. در مرحله‌ی بعد پس از شناسایی کامل کلیه‌ی خانوارهای زیر خط فقر و خانوارهایی که در اثر حذف یارانه‌ی کالاهای اساسی به زیر خط فقر سقوط می‌کنند اقدام به کاهش یارانه و پرداخت نقدی کرد. ملاحظه می‌شود که نتایج حاصل از این دو بررسی در خصوص روند فعلی پرداخت یارانه و تاثیر آن بر نابرابری با هم در تضاد است. مطالعه‌ی لارکی (۱۹۸۸) در مراکش اثرات افزایش قیمت کالاهای اساسی را بر تغذیه، رفاه و بودجه‌ی دولت با به‌کارگیری روش دیتون (۱۹۸۸) بررسی کرده است. وی معتقد است که در سیستم

غیرهدف‌مند بخش بزرگی از یارانه به سمت گروه‌های با درآمد بالا نشت می‌کند، ولی با توجه به این‌که گروه‌های فقیر سهم بیش‌تری از درآمدشان را صرف خرید مواد غذایی می‌کنند در نتیجه افزایش قیمت مواد غذایی، قدرت خرید خانوار و وضعیت تغذیه‌ای آن‌ها بیش‌تر تحت تاثیر قرار می‌گیرد. در این ارتباط خداداد کاشی و حیدری (۱۳۸۳)، با بررسی نقش اقلام یارانه‌های خوراکی در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی ضمن بررسی ارزش‌های غذایی دریافتی خانوارهای شهری و روستایی، سهم اقلام یارانه‌ها را در تامین ارزش‌های غذایی خانوارها محاسبه کردند. نتایج دلالت بر آن دارد که بخش قابل توجهی از ارزش‌های غذایی دریافتی خانوارها از طریق اقلام یارانه‌ای تامین شده است. با این حال ۱۰ تا ۲۰ درصد خانوارهای شهری و روستایی کم‌تر از مقدار توصیه شده انرژی غذایی دریافت کرده‌اند. این نکته بیانگر این است که گروه‌های هدف جامعه پوشش داده نشده‌اند.

دینی ترکمانی (۱۳۷۳) در بررسی تاثیر حذف یارانه‌ی نان بر فقر مطلق به این نتیجه رسیده است که با افزایش تورم، مصرف نان افزایش می‌یابد و خانوارها سهم بیش‌تری از درآمد خود را به آن اختصاص می‌دهند و با توجه به پایین بودن کشتش قیمتی تقاضا برای نان در صورت حذف یارانه، درصد افراد فقیر شهری از ۴۵ درصد به ۶۵ درصد افزایش می‌یابد و موجب سو تغذیه‌ی خانوارهای کم درآمد خواهد شد.

رحیمی و کلاتری (۱۳۷۱) در مطالعه‌ای با کمک دو شاخص خط فقر محاسباتی خود شامل شاخص خط فقر مبتنی بر کالری مورد نیاز روزانه و شاخص خط فقر مبتنی بر تغذیه‌ی نرمال، وضعیت فقر و تغییرات آن را پس از حذف یارانه‌ی کالاهای اساسی مورد ارزیابی قرار دهند. نتایج این مطالعه حاکی است که براساس معیار کالری مورد نیاز روزانه در سال ۱۳۷۰ حدود ۴۹ درصد از خانوارهای شهری و حدود ۲۰ درصد از خانوارهای روستایی زیر خط فقر قرار دارند. هم‌چنین براساس معیار تغذیه‌ی نرمال حدود ۴۵ درصد از خانوارهای شهری و ۵۱ درصد از خانوارهای روستایی در زیر خط فقر قرار دارند و با حذف یارانه‌ی کالاهای اساسی حدود ۹ درصد به تعداد افراد زیر خط فقر در مناطق شهری و حدود ۲ درصد به تعداد افراد زیر خط فقر در مناطق روستایی اضافه خواهد شد.

احمد و بوییس (۲۰۰۲) برای بررسی وضعیت مصرف، از داده‌های سراسری مصر که در سال ۱۹۹۷ از ۲۵۰۰ خانوار جمع‌آوری شده بود استفاده کردند. در این مطالعه براساس مدل آزمون تقریب میانگین<sup>۱</sup>، مصرف سرانه‌ی خانوارها به صورت تابعی از عوامل مختلف هم‌چون اندازه‌ی خانوار، سطح آموزش و انواع دارایی‌ها به‌عنوان متغیرهای نمایانگر سطح رفاه و مصرف در نظر گرفته شد. نتایج این مطالعه نشان داد که مدل یاد شده در شناسایی افراد و گروه‌های درآمدی مختلف از تناسب مطلوب برخوردار است، به‌گونه‌ای که در صورت تقسیم افراد به دو گروه واجد شرایط دریافت سطوح کم و زیاد یارانه در هزینه‌های یارانه‌ای دولت به مقدار قابل ملاحظه‌ای صرفه‌جویی و منجر به تعادل درآمدی بیشتر و کاهش فقر خواهد شد. هم‌چنین نتایج برآورد تابع مصرف نشان داد که رابطه‌ی اندازه‌ی خانوار، سطح آموزش و دارایی‌ها با سطح مصرف به‌ترتیب منفی، مثبت و مثبت است.

احمد و هم‌کاران (۲۰۰۱) در مطالعه‌ی خود در بررسی وضعیت پرداخت یارانه در کشور مصر، دریافتند که سیستم کنونی پرداخت یارانه هدف‌مند نبوده و باعث می‌شود که گروه‌های غیرنیازمند از منافع یارانه‌ای بهره‌مند شوند، به‌گونه‌ای که گروه‌های غیرهدف (شش دهک بالای جمعیت) از منافع یارانه‌ای کالاهای نان بلدی، آرد گندم، روغن خوراکی و قند و شکر به‌ترتیب ۶۱، ۶۰، ۶۲ و ۶۲ درصد بهره‌مند شوند، که بیانگر این است که منافع حاصل به‌طور مساوی بین گروه‌های مختلف تقسیم شده و غیرهدف‌مند بوده است اما در عین حال پرداخت یارانه‌ها باعث بهبود تغذیه و افزایش امنیت غذایی گروه‌های فقیر شده است.

در همین ارتباط نیز محمودی و نجفی (۱۳۸۲) در بررسی وضعیت امنیت غذایی در میان قشرهای کم درآمد بعد از حذف یارانه‌ی نان، با محاسبه‌ی شاخص سهم نان از گروه کالاهای خوراکی دریافتند که هر ایرانی ۴ درصد از مخارج خوراکی خود را صرف نان کرده است و دهک‌های اول (فقیر) در مقایسه با دهک‌های بالایی سهم بیشتری را اختصاص داده‌اند. هم‌چنین نتایج مطالعه‌ی گفته شده، نشان داد که سهم نان از کل مخارج خوراکی و غیرخوراکی در مناطق شهری ۱/۲۵ و در مناطق روستایی ۱/۷۵ بوده است، و در بین دهک‌های مختلف

---

1- Proxy Means Test

اختلاف وجود دارد. هم‌چنین نتایج نشان داده است که توزیع مخارج نان در جوامع روستایی بسیار نامتعادل‌تر از جوامع شهری است و در صورت حذف کامل یارانه اثرات رفاهی نامطلوبی بر گروه‌های فقیر شهری و روستایی خواهد داشت و امنیت غذایی آن‌ها به خطر خواهد افتاد. بنابراین آن‌ها پیش‌نهاد می‌کنند که در راستای هدف‌مند کردن و حذف یارانه‌ها می‌بایستی به مساله‌ی امنیت غذایی خانوارهای کم درآمد توجه کافی داشت.

در همین خصوص نیز فرج‌زاده (۱۳۸۲)، ضمن بررسی الگوی مصرف و نحوه‌ی برخورداری گروه‌های مختلف درآمدی از یارانه‌ی پرداختی به مواد غذایی اثر تغییر در یارانه را بر روی گروه‌های درآمدی با استفاده از معیارهای سه‌گانه‌ی فقر (برگرفته از شاخص<sup>۱</sup> FGT) بررسی کرد. داده‌های این بررسی از میان ۸۶۴ خانوار روستایی و ۶۰۷ خانوار شهری نمونه‌ی منتخب طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارها در سال ۱۳۷۹ به‌دست آمد. براساس معیار تعداد افراد زیر خط فقر، مشخص شد که بیش از ۵۲ درصد از خانوارهای روستایی و افزون بر ۶۴ درصد از خانوارهای شهری زیر خط فقر قرار دارند. نتایج حاصل از سناریوهای مختلف کاهش یارانه‌ی مواد غذایی حاکی از تاثیرپذیری میزان تغییرات خانوارهای روستایی در قیاس با خانوارهای شهری با هر سه معیار تعداد افراد زیر خط فقر، شکاف و شدت فقر بود. حتی با افزایش ۱۰۰ درصد قیمت تمامی چهار کالای منتخب (گندم، برنج، روغن و شکر) هنوز براساس هر سه شاخص، خانوارهای روستایی در وضعیت به‌تری نسبت به خانوارهای شهری قرار دارند.

همواره این مساله مطرح است که توزیع منافع یارانه‌ها متناسب نبوده و گروه‌های فقیر از منافع کم‌تری در پرداخت‌های عام یارانه برخوردارند. در این مطالعه نخست وضعیت فقر مناطق مختلف تعیین شد. سپس توزیع منافع نظام فعلی یارانه‌ی کشور میان مناطق و دهک‌های مختلف درآمدی با تاکید بر سه کالای نان، روغن و قند و شکر مورد بررسی قرار گرفته است.

---

1 Foster, Greer and Thorbecke

## روش تحقیق

برای تعیین فقر و بررسی آن نیاز به تعیین شاخصی است که براساس آن بتوان فقرا را از غیر فقرا تشخیص داد. چنین شاخصی خط فقر نامیده می‌شود. آستانه‌ی مرز میان فقرا و سایر افراد جامعه را خط فقر می‌نامند، که به صورت مطلق و نسبی تعریف می‌شود. تعاریف مختلفی از نظر مطلق و نسبی بودن آن وجود دارد. طبق تعریف، خط فقر مطلق میزان درآمدی است که افزون بر تامین کمینه‌ی نیازهای اولیه و ضروری مانند غذا، پوشاک، مسکن و تحصیل، هم چنین می‌تواند مخارج هزینه‌های فرهنگی و تفریحی را پوشش دهد، که این روش تعیین خط فقر را روش نیازهای اساسی نیز می‌نامند. یکی از پیامدهای سیاست‌های تعدیل اقتصادی تغییر شاخص‌های فقر و نابرابری توزیع درآمد است. خط فقر نسبی به صورت درصد معینی از میانه و میانگین درآمد جامعه یا به شکل مرز درآمدی تعریف می‌شود (پروین و زندی، ۱۳۸۰ و بخشوده و شوشتریان، ۱۳۸۴). خط فقر نسبی و شاخص‌های مبتنی بر آن بیش از آن که نمایانگر فقر باشند، نشان دهنده‌ی میزان نابرابری توزیع درآمد در سطح جامعه هستند (جعفری ثانی، ۱۳۸۵). البته در مورد تعریف شاخص‌های فقر این اعتقاد وجود دارد که هنجارهای رایج شده برای فقر بسته به مکان، زمان و جامعه متفاوت خواهد بود. اما به هر حال این اعتقاد وجود دارد که با بهره‌گیری از این شاخص‌ها می‌توان به طور نسبی برای اظهار نظر و تامین ابزار لازم برای سیاست‌گذاری‌های مناسب، زمینه‌هایی فراهم کرد (فرج زاده، ۱۳۸۲).

یکی از شاخص‌های رایج شده برای اندازه‌گیری فقر شاخص FGT است که براساس ابداع کنندگان آن فاستر، گریر و توربک (۱۹۸۴) تبیین شد. شاخص یاد شده در مدل‌های اقتصاد کلان برای پیوستگی تحلیل فقر خواص مطلوبی دارد، از جمله این که شدت و عمق فقر را نشان می‌دهد.

فقر در شاخص FGT به عنوان تابعی از نسبت شکاف فقر تلقی می‌شود. این شاخص به صورت زیر فرموله شده است:

$$P_{\alpha} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q [(z - Y_i) / z]^{\alpha} \quad (1)$$

n تعداد کل خانوار ها، Z خط فقر،  $Y_t$  درآمد خانوار است. برای نسبت سرشمار  $=0$  است که گاهی به صورت درصد بیان می شود که درصد افراد فقیر جامعه را نشان می دهد. این شاخص بیان نمی کند که افراد فقیر چه مقدار از فقر رنج می برند و یا این که برای از بین بردن فقر چه مقدار منابع نیاز است. اما در شاخص شکاف فقر که  $=1$  است و در واقع به شدت فقر افراد وزن یکسانی داده می شود بدین معنا که تمام افراد به یک اندازه از فقر رنج می برند اما می توان میزان منابع مورد نیاز را برای از بین بردن فقر تعیین کرد که در این حالت افزایش (کاهش) درآمد هر فرد باعث کاهش (افزایش) شکاف فقر می شود در حالی که سرانه ی فقر تغییری نمی کند، اما در عین حال هیچ یک از این دو شاخص نسبت به توزیع مجدد درآمد حساس نیست، پس برای اندازه گیری شدت فقر  $=2$  است که بیانگر میزان گریز از فقر است و هر چه این شاخص بزرگ تر باشد به این معنا است که جامعه از فقر گریزان تر بوده و به فقیرترین افراد جامعه اهمیت بیش تری داده شده است. به این ترتیب هر چه فاصله ی درآمدی خانوارها از یکدیگر بیش تر باشد و توزیع درآمد ناعادلانه تر شود، این شاخص افزایش می یابد، و اگر درآمد از افراد فقیر به افراد فقیرتر انتقال یابد مقدار این شاخص کاهش می یابد و برعکس. این شاخص در میان فقرا قابل تجزیه به زیرگروه هایی است که دارای خصوصیات اقتصادی اجتماعی مشخصی براساس منطقه، طبقه ی درآمد و غیره (شهری یا روستایی) باشند. بنابراین شاخص می تواند شدت فقر در گروه های مختلف مردم فقیر را نشان دهد.

در این تحقیق میزان کمک به فقر مناطق مختلف نیز از رابطه زیر تعیین شد

$$CP = \left[ \left( \frac{Pop^t}{Pop^f} \right) \times \left( \frac{P^t}{P^f} \right) \right] \times 100 \quad (2)$$

که CP درصد کمک به فقر،  $Pop^t$  کل جمعیت،  $Pop^f$  جمعیت منطقه،  $P^t$  شاخص فقر (سرانه، شکاف و شدت فقر) برای کل جمعیت و  $P^f$  شاخص فقر (سرانه، شکاف و شدت فقر) در هر منطقه است. این شاخص در واقع بیانگر این است که کاهش فقر در هر منطقه به چه میزان به کاهش فقر موجود در کشور کمک می کند.



در این مطالعه هم‌چنین منافع حاصل از یارانه‌ی کالاهای نان، روغن خوراکی و قند و شکر در مناطق شهری و روستایی استان‌های و گروه‌های مختلف درآمدی و گروه‌های شهری و روستایی پرداخته شده است. برای تعیین منافع سرانه‌ی حاصل از یارانه‌ی هر یک از کالاها، نخست میزان مصرف سرانه و قیمت پرداختی برای خرید هر یک از کالاها با استفاده از اطلاعات درآمد و هزینه‌ی خانوارهای شهری و روستایی کشور برای مناطق و گروه‌های مختلف درآمدی در سال ۱۳۸۰ تعیین شد. اختلاف قیمت پرداختی و قیمت بازار آزاد نشان دهنده‌ی منفعتی است که مصرف‌کننده در نتیجه‌ی مصرف هر کیلوگرم از هر یک از این کالاها به دست می‌آورد.

### نتایج و بحث

در سال ۱۳۸۰ یارانه‌های مصرفی به میزان ۸۹۲۲/۴ میلیارد ریال، ۸۹/۱ درصد کل یارانه‌های پرداختی دولت راتشکیل داده است که طبق جدول (۱) به کالاهای مختلف تخصیص داده شده است. در بین کالاهای مختلف کالای گندم بالاترین سهم از کل یارانه‌های مصرفی را به خود اختصاص داده است.

جدول (۱) یارانه‌ی پرداختی به کالاهای اساسی خوراکی در سال ۱۳۸۰

کالا	ارزش (میلیارد ریال)	سهم (درصد)
گندم و نان	۶۸۱۹	۷۶/۴
قند	۴۳۹	۴/۹
روغن	۷۰	۰/۷۹
شیر و پنیر	۸۹	۱
گوشت	۶۵۵	۷/۳
سایر	۸۵۰/۴	۹/۶

ماخذ: سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان

در این مطالعه منافع یارانه‌ای کالاهای نان، روغن و قند و شکر در مناطق شهری و روستایی استان‌های مختلف کشور و ارتباط آن با فقر مناطق مختلف بررسی شد. هم‌چنین در ادامه منافع یارانه‌ای این کالاها برای دهک‌های مختلف درآمدی شهری و روستایی و سهم دهک‌های مختلف از منافع ایجاد شده تعیین شد.

مطابق جدول (۲) منفعت سرانه‌ی یارانه‌ی نان، روغن و قند و شکر کشور به ترتیب ۲۱۸/۱، ۱۶ و ۳۴/۴ هزار ریال است که بیانگر این است که منافع سرانه‌ی حاصل از مصرف نان بیش از دو کالای دیگر است، که این مساله ناشی از پرداختی بیش‌تر دولت بابت یارانه‌ی نان و مصرف سرانه‌ی بالاتر این کالا است.

جدول (۲) منافع سرانه و سهم مناطق شهری از یارانه در استان‌های مختلف کشور (سال ۱۳۸۰)

استان	منافع سرانه‌ی نان (هزار ریال)	منافع سرانه‌ی روغن خوراکی (هزار ریال)	منافع سرانه‌ی قند و شکر (هزار ریال)	سهم استان از منافع نان (درصد)	سهم استان از منافع روغن خوراکی (درصد)	سهم استان از منافع قند و شکر (درصد)	سهم هر سه کالا (درصد)	سهم جمعیت (درصد)
مرکزی	۲۵۸/۵	۲۵/۵	۴۴/۷	۲/۴	۲/۶	۲/۵	۲/۳	۱/۹
گیلان	۱۵۸/۱	۲۱/۷	۳۳/۹	۲/۲	۳/۲	۲/۷	۲/۲	۲/۸
مازندران	۱۸۹/۳	۱۳/۲	۴۰/۱	۳/۱	۲/۳	۳/۸	۲/۹	۳/۲
آذربایجان شرقی	۲۳۵/۱	۱۵/۵	۳۲/۴	۵/۴	۴/۳	۴/۹	۵/۵	۵/۲
آذربایجان غربی	۱۹۲/۶	۲۱/۹	۴۸/۸	۳/۵	۴/۲	۵/۱	۳/۵	۳/۶
کرمانشاه	۲۹۲/۸	۱/۸	۲۷/۵	۳/۱	۳/۶	۲/۲	۳/۳	۲/۸
خوزستان	۱۴۸/۳	۱۷/۵	۲۷/۰	۵/۴	۵/۷	۴/۸	۴/۴	۶/۲
فارس	۱۸۴/۱	۱۹/۴	۴۴/۳	۵/۲	۵/۹	۷/۳	۵/۲	۵/۷
کرمانشاه	۲۳۹/۰	۶/۷	۲۵/۷	۳/۳	۲/۲	۲/۳	۳/۱	۳/۰
خراسان	۱۸۰/۶	۲۶/۱	۳۵/۹	۸/۱	۱۳/۰	۹/۷	۸/۴	۹/۳
اصفهان	۱۵۰/۰	۲۰/۱	۳۲/۹	۷/۰	۸/۴	۷/۶	۶/۰	۷/۹
سیستان و لوجهستان	۲۰۷/۰	۱۴/۰	۲۶/۴	۲/۸	۱/۷	۱/۸	۲/۱	۲/۳
کردستان	۲۸۳/۶	۲۶/۲	۲۸/۳	۳/۱	۲/۶	۱/۵	۲/۳	۱/۸
همدان	۲۸۳/۱	۲۲/۵	۵۲/۹	۳/۵	۲/۵	۳/۳	۲/۸	۲/۱
چهارمحال و بختیاری	۱۸۳/۷	۶/۳	۳۲/۷	۱/۰	۳/۸	۰/۹	۰/۸	۰/۹
لرستان	۳۳۳/۳	۳/۳	۵۰/۱	۴/۳	۲/۴	۳/۲	۳/۲	۲/۲

ادامه‌ی جدول (۲) منافع سرانه و سهم مناطق شهری از یارانه در استان‌های مختلف کشور

استان	منافع سرانه‌ی نان (هزار ریال)	منافع سرانه‌ی روغن خوراکی (هزار ریال)	منافع سرانه‌ی قند و شکر (هزار ریال)	سهم استان از منافع نان (درصد)	سهم استان از منافع روغن خوراکی (درصد)	سهم استان از منافع قند و شکر (درصد)	سهم هر سه کالا (درصد)	سهم جمعیت (درصد)
ایلام	۳۵۶/۶	۲۳/۸	۴۶/۱	۱/۵	۰/۹	۰/۹	۱/۱	۰/۷
کهگیلویه و بویراحمد	۳۲۹/۵	۱۱/۹	۲۷/۹	۱/۲	۰/۴	۰/۵	۰/۸	۰/۶
بوشهر	۲۴۰/۶	۸/۲	۳۲/۶	۱/۶	۱/۵	۱/۱	۱/۲	۱/۱
زنجان	۲۵۸/۲	۶/۳	۳۹/۰	۱/۸	۱/۶	۱/۳	۱/۴	۱/۲
سمنان	۱۶۱/۱	۱۷/۲	۹/۹	۰/۹	۱/۱	۰/۳	۰/۶	۰/۹
یزد	۱۹۴/۵	۱۷/۲	۵۲/۳	۱/۸	۱/۴	۱/۲	۱/۴	۱/۶
هرمزگان	۱۰۰/۰	۱۰/۸	۳۰/۲	۰/۸	۰/۷	۱/۱	۰/۷	۱/۳
تهران	۱۴۲/۴	۹/۳	۲۹/۰	۱۸/۸	۱۹/۲	۲۰/۹	۱۶/۷	۲۴/۸
اردبیل	۳۱۹/۸	۲۶/۵	۴۹/۴	۲/۹	۲/۱	۲/۲	۲/۲	۱/۵
قم	۱۰۰/۴	۲۱/۰	۱۹/۶	۱/۲	۲/۳	۱/۲	۱/۱	۲/۱
قزوین	۱۹۵/۷	۱۸/۱	۳۶/۴	۱/۸	۱/۵	۱/۶	۱/۴	۱/۶
گلستان	۲۵۸/۸	۲۱/۷	۳۴/۷	۲/۴	۱/۸	۱/۶	۱/۹	۱/۶
متوسط کشور	۲۱۸/۱	۱۶/۰	۳۴/۴	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
بیشینه	۳۵۶/۶	۲۶/۵	۵۲/۹	۲۰/۸	۱۳/۰	۲۰/۹	۱۶/۷	۲۴/۸
کمینه	۱۰۰/۰	۱/۸	۹/۹	۰/۸	۰/۴	۰/۳	۰/۶	۰/۶

ماخذ: محاسبات تحقیق براساس داده‌های مرکز آمار ایران و وزارت بازرگانی

برای کالای نان استان‌های ایلام و هرمزگان با ۳۵۶/۶ و ۱۰۰ هزار ریال به ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین منافع سرانه را داشته‌اند. برای روغن استان‌های کردستان و کرمانشاه با ۲۶/۵ و ۱/۸ هزار ریال بیش‌ترین و کم‌ترین و برای قند و شکر منافع سرانه برای استان‌های همدان و سمنان با ۵۲/۹ و ۹/۹ هزار ریال بیش‌ترین و کم‌ترین مقدار را داشته است. هم‌چنین سهم هر استان از کل مصرف کالاهای یارانه‌ای بررسی و تعیین شد که مناطق شهری استان تهران و سمنان با اختصاص ۱۶/۷ و ۰/۶ درصد بیش‌ترین و کم‌ترین سهم را داشته‌اند. هم‌چنین مجموع سهم هر سه کالا و سهم جمعیت هر یک از مناطق مختلف از کل جمعیت شهری کشور تعیین شد. براساس جدول (۲) دیده می‌شود که بین این دو، ارتباط نزدیکی وجود دارد و این امر بیانگر این است که توزیع منافع تا حدودی متناسب با جمعیت است.

هم‌چنین براساس نصف میانگین هزینه‌ی خانوار، خط فقر نسبی برای مناطق شهری و روستایی استان‌های مختلف کشور تعیین شد. سپس براساس شاخص‌های FGT، سرانه، شکاف و شدت فقر تعیین شد. براساس جدول (۳) در سال ۱۳۸۰ متوسط خط فقر شهری کشور ۱۴۳۷۰/۶ هزار ریال است. به‌طور متوسط برای ایران شاخص سرانه‌ی فقر ۲۸/۲ درصد است که درصد افراد زیر خط فقر در استان گلستان با ۳۳/۶ درصد بیش‌ترین و استان چهار محال و بختیاری با ۱۹ درصد کم‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده است. هم‌چنین براساس جدول (۳) شکاف فقر برای استان‌های گلستان و خوزستان با ۱۲/۵ و ۴/۸ بیش‌ترین و کم‌ترین و متوسط آن برای مناطق شهری کشور ۹/۸ درصد است و شدت فقر نیز برای استان‌های گلستان و خوزستان به‌ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین و متوسط کشوری آن ۴/۹ درصد است. اما آنچه مورد توجه است درصد کمک به فقر است. همان‌گونه که در جدول (۳) دیده می‌شود بیش‌ترین کمک به سرانه، شکاف و شدت فقر در استان تهران است و کم‌ترین آن مربوط به استان ایلام است. به سخن دیگر اگر فقر در مناطق شهری تهران از بین برود سرانه‌ی فقر، شکاف و شدت فقر مناطق شهری کشور به‌ترتیب ۲۴/۶، ۲۱ و ۱۸/۱ درصد کاهش می‌یابد در حالی که استان ایلام کم‌ترین تاثیر را دارد. براساس جدول (۳) دیده می‌شود بین سهم تخصیص یافته‌ی منافع یارانه‌ای کل و کمک به فقر رابطه‌ی نزدیکی وجود دارد.

برای مناطق روستایی نیز منافع سرانه و سهم استانی یارانه‌ها تعیین شد. متوسط منفعت سرانه‌ی نان، روغن و قند و شکر در مناطق روستایی برابر جدول (۴)، به‌ترتیب ۲۸۵/۲، ۳۰/۸ و ۳۷/۸ هزار ریال است که نشانگر این است که منافع سرانه‌ی حاصل از مصرف نان همانند مناطق شهری بیش از دو کالای دیگر است. برای کالای نان استان‌های لرستان و هرمزگان به‌ترتیب با ۵۱۶/۵ و ۱۷۱/۵ هزار ریال بیش‌ترین و کم‌ترین منافع سرانه‌ی نان را داشته‌اند. برای روغن استان‌های کردستان و چهارمحال و بختیاری با ۵۱/۷ و ۱۴/۴ هزار ریال بیش‌ترین و کم‌ترین، هم‌چنین برای قند و شکر منافع سرانه برای استان‌های همدان و سمنان به‌ترتیب ۶۳/۹ و ۹/۴ هزار ریال بیش‌ترین و کم‌ترین مقدار را داشته‌اند.

جدول (۳) خط فقر، سرانه، شکاف، شدت، کمک به فقر، سهم جمعیت و منافع یارانه‌ی مناطق

شهری استان‌های مختلف (سال ۱۳۸۰)

استان	خط فقر نسبی (هزار ریال)	سرانه‌ی فقر	شکاف فقر	شدت فقر	کمک به سرانه‌ی فقر	کمک به شکاف فقر	کمک به شدت فقر	سهم جمعیتی (درصد)	سهم منافع هر سه کالا (درصد)
مرکزی	۱۳۶۳۴/۱	۲۴/۶	۷/۶	۳/۵	۱/۷	۱/۵	۱/۴	۱/۹	۲/۳
گیلان	۱۵۲۹۴/۶	۲۶/۱	۸/۴	۴/۰	۲/۶	۲/۴	۲/۳	۲/۸	۲/۲
مازندران	۱۲۶۶۵/۵	۲۴/۶	۸/۰	۳/۷	۲/۸	۲/۶	۲/۵	۳/۲	۲/۹
آذربایجان شرقی	۱۲۱۲۹/۶	۳۱/۶	۱۱/۰	۵/۴	۵/۸	۵/۹	۵/۸	۵/۲	۵/۵
آذربایجان غربی	۱۱۸۸۶/۶	۲۲/۹	۸/۴	۴/۴	۲/۹	۳/۱	۳/۳	۳/۶	۳/۵
کرمانشاه	۱۲۱۲۹/۸	۳۱/۰	۹/۹	۴/۷	۳/۱	۲/۸	۲/۷	۲/۸	۳/۳
خوزستان	۱۳۱۸۵/۰	۲۰/۳	۴/۸	۱/۷	۴/۴	۳/۰	۲/۲	۶/۲	۴/۴
فارس	۱۳۳۳۲/۷	۲۰/۰	۶/۷	۳/۴	۴/۰	۳/۹	۴/۰	۵/۷	۵/۲
کرمانشاه	۱۳۷۴۵/۸	۲۷/۵	۸/۹	۴/۳	۳/۰	۲/۸	۲/۷	۳/۰	۳/۱
خراسان	۱۱۹۶۳/۵	۲۸/۶	۱۰/۲	۵/۱	۹/۵	۹/۸	۹/۹	۹/۳	۸/۴
اصفهان	۱۲۹۲۹/۷	۳۲/۶	۱۱/۹	۶/۳	۹/۱	۹/۶	۱۰/۳	۷/۹	۶/۰
سیستان و بلوچستان	۱۰۸۹۳/۰	۳۴/۷	۱۱/۱	۴/۸	۲/۸	۲/۶	۲/۳	۲/۳	۲/۱
کردستان	۱۰۱۵۷/۰	۲۲/۹	۸/۲	۴/۳	۱/۵	۱/۵	۱/۶	۱/۸	۲/۳
همدان	۱۰۹۴۳/۹	۲۷/۴	۸/۹	۴/۵	۲/۱	۱/۹	۲/۰	۲/۱	۲/۸
چهارمحال و بختیاری	۱۰۴۰۸/۴	۱۹/۰	۵/۶	۲/۳	۰/۶	۰/۵	۰/۴	۰/۹	۰/۸
لرستان	۱۳۲۹۹/۲	۲۳/۰	۷/۴	۳/۶	۱/۸	۱/۷	۱/۶	۲/۲	۳/۲
ایلام	۱۷۳۳۷/۳	۲۳/۳	۷/۴	۳/۱	۰/۶	۰/۵	۰/۴	۰/۷	۱/۱
کهگیلویه و بویراحمد	۱۵۱۹۹/۴	۲۷/۵	۸/۴	۳/۵	۰/۶	۰/۵	۰/۴	۰/۶	۰/۸
بوشهر	۱۳۵۷۵/۴	۲۰/۳	۶/۵	۲/۹	۰/۸	۰/۸	۰/۷	۱/۱	۱/۲
زنجان	۱۳۸۵۱/۲	۲۱/۵	۶/۶	۲/۸	۰/۹	۰/۸	۰/۷	۱/۲	۱/۴
سمنان	۱۰۹۳۲/۹	۲۱/۳	۶/۳	۲/۷	۰/۷	۰/۶	۰/۵	۰/۹	۰/۶
یزد	۱۲۰۰۰/۱	۲۵/۸	۹/۸	۵/۰	۱/۴	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۴
هرمزگان	۱۶۴۵۹/۳	۲۴/۱	۶/۶	۲/۶	۱/۱	۰/۹	۰/۷	۱/۳	۰/۷
تهران	۲۰۹۹۸/۷	۲۸/۰	۸/۲	۳/۵	۲۴/۶	۲۱/۰	۱۸/۱	۲۴/۸	۱۶/۷
اردبیل	۱۶۱۶۸/۵	۲۳/۲	۷/۶	۳/۴	۱/۲	۱/۲	۱/۱	۱/۵	۲/۲

ادامه‌ی جدول (۳) خط فقر، سرانه، شکاف، شدت و کمک به فقر، سهم جمعیت و منافع یارانه‌ی

مناطق شهری استان‌های مختلف (سال ۱۳۸۰)

استان	خط فقر نسبی (هزار ریال)	سرانه‌ی فقر	شکاف فقر	شدت فقر	کمک به سرانه‌ی فقر	کمک به شکاف فقر	کمک به شدت فقر	سهم جمعیتی (درصد)	سهم منافع هر سه کالا (درصد)
قم	۱۳۸۶۳/۸	۳۱/۹	۱۰/۱	۴/۵	۲/۳	۲/۱	۱/۹	۲/۱	۱/۱
قزوین	۱۴۹۴۶/۷	۲۱/۴	۷/۱	۳/۴	۱/۲	۱/۱	۱/۱	۱/۶	۱/۴
گلستان	۱۳۵۱۱/۳	۳۳/۶	۱۲/۵	۶/۲	۱/۹	۲/۰	۲/۰	۱/۶	۱/۹
متوسط کشور	۱۴۳۷۰/۶	۲۸/۲	۹/۸	۴/۹	۱۰۰/۱	۱۰۰/۰	۱۰۰/۱	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
بیشینه	۲۰۹۹۸/۷	۳۳/۶	۱۲/۵	۶/۳	۲۴/۶	۲۱/۰	۱۸/۱	۲۴/۸	۱۶/۷
کمینه	۱۰۱۵۷/۰	۱۹/۰	۴/۸	۱/۷	۰/۶	۰/۵	۰/۴	۰/۶	۰/۶

ماخذ: محاسبات تحقیق براساس داده‌های مرکز آمار ایران و وزارت بازرگانی

سهم مناطق روستایی هر استان از منافع حاصل از سه کالای مورد بررسی تعیین شد و نتایج بررسی نشان داد که مناطق روستایی استان خراسان و قم با اختصاص ۱۶/۷ و ۰/۶ درصد بیش‌ترین و کم‌ترین سهم را داشته‌اند. مقایسه‌ی سهم جمعیت و سهم منافع کل، براساس جدول (۴) بیانگر این نکته است که توزیع یارانه متناسب با جمعیت بوده و حاکی از غیر هدف‌مندی یارانه است.

هم‌چنین خط فقر نسبی و شاخص‌های سرانه، شکاف و شدت فقر و کمک به شاخص‌های فقر برای مناطق روستایی استان‌های مختلف کشور تعیین شد. براساس جدول (۵) دیده می‌شود در سال ۱۳۸۰ متوسط خط فقر نسبی مناطق روستایی ۸۹۵۰/۵ هزار ریال است که در مقایسه با خط فقر نسبی سالانه در مناطق شهری استان‌های مختلف پایین‌تر است که بیانگر بالاتر بودن سطح هزینه‌ی زندگی در مناطق شهری است. برابر جدول (۵) شاخص سرانه‌ی فقر در مناطق روستایی استان‌های گلستان و خوزستان به ترتیب ۳۶/۲ و ۱۰/۳ درصد بیش‌ترین و کم‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۴) منافع سرانه و سهم مناطق روستایی از یارانه در استان‌های مختلف کشور (سال ۱۳۸۰)

استان	منافع سرانه‌ی نان (هزار ریال)	منافع سرانه‌ی روغن خوراکی (هزار ریال)	منافع سرانه‌ی قند و شکر (هزار ریال)	سهم استان از منافع نان (درصد)	سهم استان از منافع روغن خوراکی (درصد)	سهم استان از منافع قند و شکر (درصد)	سهم منافع هر سه کالا (درصد)	سهم جمعیت (درصد)
مرکزی	۳۳۴/۴	۴۱/۷	۴۶/۵	۲/۴	۲/۸	۲/۶	۲/۵	۲/۱
گیلان	۲۲۴/۰	۴۰/۴	۳۸/۱	۴/۰	۶/۶	۵/۱	۴/۳	۵/۱
مازندران	۲۳۹/۵	۲۸/۳	۴۴/۴	۵/۱	۵/۶	۷/۲	۵/۴	۶/۱
آذربایجان شرقی	۳۴۹/۶	۳۷/۱	۳۹/۹	۶/۸	۶/۶	۵/۹	۶/۷	۵/۵
آذربایجان غربی	۲۵۴/۵	۴۲/۳	۵۶/۶	۴/۶	۷/۰	۷/۷	۵/۱	۵/۱
کرمانشاه	۳۹۴/۳	۱۹/۳	۲۶/۴	۴/۰	۱/۸	۲/۰	۳/۶	۲/۹
خوزستان	۲۴۴/۰	۳۰/۹	۳۳/۵	۵/۳	۶/۱	۵/۵	۵/۴	۶/۲
فارس	۱۹۲/۳	۴۰/۵	۳۴/۲	۴/۹	۹/۶	۶/۷	۵/۵	۷/۳
کرمانشاه	۲۴۲/۵	۱۷/۸	۲۶/۹	۳/۸	۲/۶	۳/۲	۳/۶	۴/۵
خراسان	۲۰۵/۴	۳۷/۰	۳۳/۵	۸/۱	۱۳/۴	۱۰/۰	۸/۸	۱۱/۳
اصفهان	۱۸۳/۵	۳۰/۲	۲۷/۰	۲/۵	۳/۷	۲/۸	۲/۶	۳/۹
سیستان و بلوچستان	۲۶۹/۹	۲۴/۶	۲۷/۰	۴/۴	۳/۷	۳/۳	۴/۲	۴/۷
کردستان	۳۳۷/۴	۵۱/۷	۵۰/۷	۳/۲	۴/۵	۳/۶	۳/۳	۲/۷
همدان	۳۷۹/۵	۴۲/۶	۶۳/۹	۴/۶	۴/۸	۵/۹	۴/۸	۳/۵
چهارمحال و بختیاری	۱۷۶/۴	۱۴/۴	۲۴/۰	۱/۱	۰/۸	۱/۲	۱/۱	۱/۸
لرستان	۵۱۶/۵	۲/۳۳	۵۶/۲	۵/۷	۳/۴	۴/۷	۵/۴	۳/۱
ایلام	۴۵۳/۳	۲۴/۱	۵۴/۱	۱/۵	۰/۸	۱/۴	۱/۵	۱/۰
کهگیلویه و بویراحمد	۴۰۲/۸	۱۸/۲	۲۵/۴	۲/۱	۰/۹	۱/۰	۱/۸	۱/۵

ادامه‌ی جدول (۴) منافع سرانه و سهم مناطق روستایی از یارانه در استان‌های مختلف کشور

استان	منافع سرانه نان (هزار ریال)	منافع سرانه‌ی روغن خوراکی (هزار ریال)	منافع سرانه‌ی قند و شکر (هزار ریال)	سهم استان از منافع نان (درصد)	سهم استان از منافع روغن خوراکی(درصد)	سهم استان از منافع قند و شکر (درصد)	سهم منافع هر سه کالا (درصد)	سهم جمعیت (درصد)
بوشهر	۲۴۷/۳	۱۴/۴	۳۹/۹	۱/۴	۰/۷	۱/۵	۱/۳	۱/۴
زنجان	۴۰۲/۴	۲۴/۵	۴۱/۰	۲/۷	۱/۵	۲/۱	۲/۵	۱/۹
سمنان	۱۹۹/۹	۲۳/۳	۹/۴	۰/۵	۰/۵	۰/۲	۰/۴	۰/۷
یزد	۲۱۲/۰	۳۹/۳	۳۲/۶	۰/۶	۱/۱	۰/۷	۰/۷	۰/۹
هرمزگان	۱۷۱/۵	۱۹/۳	۳۴/۸	۱/۸	۱/۹	۲/۸	۱/۹	۳/۰
تهران	۱۹۵/۱	۳۱/۰	۳۱/۸	۳/۹	۵/۶	۴/۸	۴/۱	۵/۷
اردبیل	۳۷۰/۳	۳۸/۴	۶۳/۳	۳/۲	۳/۰	۴/۱	۳/۳	۲/۴
قم	۲۳۴/۸	۳۴/۷	۲۲/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۲	۰/۳	۰/۳
قزوین	۲۷۲/۷	۲۶/۴	۴۳/۳	۱/۶	۱/۵	۲/۰	۱/۷	۱/۷
گلستان	۲۸۲/۰	۳۵/۴	۳۲/۸	۳/۷	۴/۲	۳/۳	۳/۷	۳/۷
متوسط کشور	۲۸۵/۲	۳۱/۱	۳۷/۶	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
بیشینه	۵۱۶/۵	۵۱/۷	۶۳/۹	۸/۱	۱۳/۴	۱۰/۰	۸/۸	۱۱/۳
کمینه	۱۷۱/۵	۱۴/۴	۹/۴	۰/۳	۰/۳	۰/۲	۰/۳	۰/۳

ماخذ: محاسبات تحقیق براساس داده‌های مرکز آمار ایران و وزارت بازرگانی

جدول (۵) خط فقر، سرانه، شکاف، شدت و کمک به فقر، سهم جمعیت و منافع یارانه‌ی مناطق

روستایی استان‌های مختلف (سال ۱۳۸۰)

استان	خط فقر نسبی (هزار ریال)	سرانه‌ی فقر	شکاف فقر	شدت فقر	کمک به سرانه‌ی فقر	کمک به شکاف فقر	کمک به شدت فقر	سهم جمعیتی (درصد)	سهم منافع هر سه کالا (درصد)
مرکزی	۸۰۹۴/۱	۳۴/۲	۱۴/۳	۸/۳	۲/۴	۲/۵	۲/۶	۲/۱	۲/۵
گیلان	۴۱۷۹/۶	۱۷/۲	۵/۸	۳/۰	۲/۹	۲/۵	۲/۴	۵/۱	۴/۳
مازندران	۱۱۲۶۲/۰	۲۶/۸	۱۰/۴	۵/۷	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۶/۱	۵/۴
آذربایجان شرقی	۹۱۲۸/۶	۳۱/۳	۱۲/۴	۶/۷	۵/۸	۵/۸	۵/۸	۵/۵	۶/۷
آذربایجان غربی	۸۶۳۸/۰	۲۵/۴	۹/۸	۵/۰	۴/۳	۴/۳	۴/۰	۵/۱	۵/۱



ادامه‌ی جدول (۵) خط فقر، سرانه، شکاف، شدت و کمک به فقر، سهم جمعیت و منافع یارانه‌ی

مناطق روستایی استان‌های مختلف (سال ۱۳۸۰)

استان	خط فقر نسبی (هزار ریال)	سرانه‌ی فقر	شکاف فقر	شدت فقر	کمک به سرانه‌ی فقر	کمک به شکاف فقر	کمک به شدت فقر	سهم جمعیتی (درصد)	سهم منافع هر سه کالا (درصد)
کرمانشاه	۷۲۰۷/۹	۲۵/۵	۷/۴	۳/۲	۲/۴	۱/۸	۱/۴	۲/۹	۳/۶
خوزستان	۹۵۰۱/۰	۱۰/۳	۲/۶	۰/۹	۲/۱	۱/۳	۰/۹	۶/۲	۵/۴
فارس	۸۷۰۴/۰	۲۱/۵	۷/۳	۳/۸	۵/۲	۴/۵	۴/۳	۷/۳	۵/۵
کرمانشاه	۹۶۹۵/۵	۳۰/۹	۱۱/۴	۵/۹	۴/۶	۴/۴	۴/۱	۴/۵	۳/۶
خراسان	۵۷۵۳/۰	۳۰/۴	۱۲/۷	۷/۱	۱۱/۴	۱۲/۲	۱۲/۴	۱۱/۳	۸/۸
اصفهان	۸۵۹۲/۶	۳۲/۲	۱۲/۹	۷/۱	۴/۱	۴/۲	۴/۲	۳/۹	۲/۶
سیستان و بلوچستان	۵۴۳۳/۵	۲۹/۴	۱۰/۰	۴/۸	۴/۶	۴/۰	۳/۴	۴/۷	۴/۲
کردستان	۶۶۸۶/۵	۲۴/۴	۹/۷	۵/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۷	۳/۳
همدان	۸۳۷۲/۶	۲۸/۳	۱۰/۲	۵/۱	۳/۳	۳/۰	۲/۷	۳/۵	۴/۸
چهارمحال و بختیاری	۵۹۱۷/۰	۲۱/۴	۷/۵	۳/۹	۱/۳	۱/۲	۱/۱	۱/۸	۱/۱
لرستان	۸۸۳۶/۴	۲۲/۱	۷/۱	۳/۴	۲/۳	۱/۹	۱/۷	۳/۱	۵/۴
ایلام	۱۱۸۳۷/۹	۲۰/۸	۳/۲	۲/۸	۰/۷	۰/۳	۰/۴	۱/۰	۱/۵
کهگیلویه و بویراحمد	۸۵۴۰/۹	۳۰/۴	۱۱/۷	۶/۳	۱/۵	۱/۵	۱/۴	۱/۵	۱/۸
بوشهر	۱۰۲۳۵/۶	۲۵/۹	۸/۷	۴/۲	۱/۲	۱/۱	۰/۹	۱/۴	۱/۳
زنجان	۸۱۵۵/۳	۳۱/۵	۱۲/۴	۷/۱	۲/۰	۲/۰	۲/۱	۱/۹	۲/۵
سمنان	۶۹۱۶/۳	۲۹/۷	۹/۲	۶/۵	۰/۷	۰/۵	۰/۷	۰/۷	۰/۴
یزد	۹۰۹۰/۹	۳۴/۸	۱۶/۰	۱۰/۰	۱/۰	۱/۲	۱/۳	۰/۹	۰/۷
هرمزگان	۸۷۳۳/۷	۲۵/۳	۸/۵	۴/۵	۲/۵	۲/۲	۲/۱	۳/۰	۱/۹
تهران	۱۱۵۶۹/۱	۲۰/۴	۶/۴	۳/۱	۳/۹	۳/۱	۲/۸	۵/۷	۴/۱
اردبیل	۱۳۷۹۲/۵	۲۳/۴	۱۳/۰	۶/۹	۲/۷	۲/۷	۲/۶	۲/۴	۳/۳
قم	۸۴۰۹/۳	۲۸/۷	۱۰/۷	۵/۸	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳
قزوین	۱۰۴۵۷/۷	۳۱/۶	۱۲/۲	۶/۸	۱/۸	۱/۸	۱/۸	۱/۷	۱/۷
گلستان	۸۳۹۴/۷	۳۶/۲	۱۳/۶	۷/۱	۴/۵	۴/۳	۴/۱	۳/۷	۳/۷
متوسط کشور	۸۹۵۰/۵	۳۰/۱	۱۱/۷	۶/۵	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
بیشینه	۱۳۷۹۲/۵	۳۶/۲	۱۶/۰	۱۰/۰	۱۱/۴	۱۲/۲	۱۲/۴	۱۱/۳	۸/۸
کمینه	۴۱۷۹/۶	۱۰/۳	۲/۶	۰/۹	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳

ماخذ: محاسبات تحقیق براساس داده‌های مرکز آمار ایران و وزارت بازرگانی

همچنین برابر جدول (۵) نیز شکاف فقر برای استان‌های یزد و خوزستان با ۱۶ و ۲/۶ درصد بیش‌ترین و کم‌ترین و متوسط آن برای مناطق شهری کشور ۱۱/۴ درصد است و شدت فقر نیز برای استان‌های یزد و خوزستان به‌ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین و متوسط کشوری آن ۴/۹ درصد است. همچنین شاخص‌های مختلف فقر نیز نشان می‌دهد که مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری از وضعیت نامناسب‌تری برخوردارند.

بیش‌ترین کمک به سرانه، شکاف و شدت فقر در استان خراسان و کم‌ترین آن مربوط به استان قم است. همچنین براساس جدول (۵) نیز دیده می‌شود بین سهم تخصیص یافته‌ی منافع یارانه‌ای کل، سهم جمعیت و کمک به شاخص‌های فقر همانند مناطق شهری رابطه‌ی نزدیکی وجود دارد.

در این تحقیق نیز منافع سرانه‌ی حاصل از مصرف هر یک از کالاهای مورد بررسی و سهم هر یک از دهک‌های مناطق شهری و روستایی کشور از کل منافع حاصل از مصرف کالاها تعیین شد. میزان منفعت حاصل برای گروه‌های نیازمند و غیر نیازمند تعیین شد. طبق تعریف، چهار دهک پایین گروه نیازمند و شش دهک بالایی جمعیت گروه غیر نیازمند تعریف شده است (احمد و هم‌کاران، ۲۰۰۱)، که این نحوه‌ی تقسیم‌بندی برای بررسی کارایی هدف‌مندی در دیگر مطالعه‌ها استفاده شده است. (تاک و لیندرت ۱۹۹۶ و گوش ۱۹۹۴).

براساس اطلاعات جدول (۶) متوسط سهم منافع سرانه‌ی جامعه برای نان، روغن خوراکی و قند و شکر به‌ترتیب ۲۱۷/۳، ۲۸ و ۳۳/۸ هزار ریال است. سهم گروه‌های نیازمند مناطق شهری از منافع حاصل از مصرف نان، روغن و قند و شکر به‌ترتیب ۴۵، ۳۹ و ۳۷ درصد است. همچنین داده‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که مصرف سرانه‌ی نان گروه‌های نیازمند بیش‌تر از گروه غیر نیازمند است و در مورد دو کالای دیگر، مصرف سرانه‌ی گروه‌های غیر نیازمند بیش‌تر است. بنابراین گروه نیازمند سهم بیش‌تری از منافع مربوط به نان را دریافت کرده است، اما برای دو کالای دیگر سهم دریافتی گروه‌های مختلف به‌تقریب با هم برابرند که این مساله نیز بیانگر غیرهدف‌مندی و ناکارایی سیستم فعلی توزیع یارانه است. سهم گروه نیازمند از مصرف هر سه کالا ۴۴/۱ درصد است که حاکی از بالاتر بودن سهم نان در این گروه است.

جدول (۶) منافع سرانه و سهم هر یک از دهک‌های شهری از کل منافع یارانه‌ی کالاها

(سال ۱۳۸۰)

دهک	منافع نان (هزار ریال)	منافع روغن خوراکی (هزار ریال)	منافع قند و شکر (هزارریال)	سهم منافع نان (درصد)	سهم منافع روغن خوراکی (درصد)	سهم منافع قند و شکر (درصد)	سهم کل (درصد)
۱	۲۳۵/۴	۲۳/۶	۲۴/۶	۱۱/۷	۸/۴	۷/۳	۱۱/۳
۲	۲۴۴/۵	۲۸/۰	۳۱/۷	۱۱/۳	۱۰/۰	۹/۴	۱۱/۱
۳	۲۴۰/۴	۲۷/۹	۳۴/۳	۱۱/۱	۹/۹	۱۰/۱	۱۰/۹
۴	۲۳۵/۳	۲۹/۳	۳۳/۸	۱۰/۸	۱۰/۵	۱۰/۰	۱۰/۸
۵	۲۲۶/۶	۳۰/۴	۳۴/۸	۱۰/۴	۱۰/۸	۱۰/۳	۱۰/۵
۶	۲۲۰/۴	۲۹/۸	۳۵/۷	۱۰/۱	۱۰/۶	۱۰/۶	۱۰/۲
۷	۲۱۰/۴	۲۹/۵	۳۶/۵	۹/۷	۱۰/۵	۱۰/۸	۹/۸
۸	۲۰۱/۹	۲۶/۳	۳۵/۸	۹/۳	۹/۴	۱۰/۶	۹/۳
۹	۱۸۱/۶	۲۵/۴	۳۴/۲	۸/۴	۹/۰	۱۰/۱	۸/۴
۱۰	۱۶۷/۷	۲۴/۸	۳۵/۵	۷/۷	۸/۸	۱۰/۵	۷/۸
کل	۲۱۷/۳	۲۸/۰	۳۳/۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

ماخذ: محاسبات تحقیق براساس داده‌های مرکز آمار ایران و وزارت بازرگانی

هم‌چنین منافع یارانه‌ای گروه‌های درآمدی مناطق روستایی نیز تعیین شد که برابر اطلاعات جدول (۷) متوسط منافع سرانه‌ی گروه‌های مختلف از مصرف کالاهای نان، روغن و قند و شکر به‌ترتیب ۲۸۶، ۳۱/۲ و ۳۹ هزار ریال است. سهم منافع گروه‌های نیازمند از مصرف کالاهای نان، روغن و قند و شکر به‌ترتیب ۳۸، ۳۳ و ۳۳ درصد است. هم‌چنین داده‌های مطالعه نشان داد که مصرف سرانه‌ی هر سه کالا برای دهک‌های بالایی بیشتر از دهک‌های پایین است. این مساله بیانگر غیرهدف‌مند و ناعادلانه بودن توزیع یارانه است. هم‌چنین منافع کل هر سه کالا برای گروه نیازمند ۳۶/۸ درصد است که کم‌تر از سهم مناطق شهری است. مقایسه‌ی جدول‌های (۶) و (۷) نیز نشان می‌دهد که گروه‌های نیازمند در مناطق شهری در مقایسه با مناطق روستایی از منافع بیشتری بهره‌مند شده‌اند که بیانگر این است که توزیع

یارانه در مناطق روستایی ناعادلانه‌تر بوده است و این تفاوت‌ها بیش‌تر مربوط به نان بوده که دارای سیستم توزیع عمومی است و محدودیت در مصرف استفاده از یارانه وجود ندارد.

جدول (۷) منافع سرانه و سهم هر یک از دهک‌های روستایی از کل منافع یارانه‌ی کالاها

(سال ۱۳۸۰)

دهک	منافع نان (هزار ریال)	منافع روغن خوراکی (هزار ریال)	منافع قند و شکر (هزارریال)	سهم منافع نان (درصد)	سهم منافع خوراکی (درصد)	سهم منافع روغن خوراکی (درصد)	سهم منافع قند و شکر (درصد)	سهم کل (درصد)
۱	۲۴۴/۸	۲۲/۵	۲۷/۴	۸/۶	۷/۲	۷/۲	۷/۰	۸/۳
۲	۲۵۹/۴	۲۵/۰	۳۱/۶	۹/۱	۸/۰	۸/۰	۸/۱	۸/۹
۳	۲۸۱/۳	۲۶/۹	۳۵/۲	۹/۸	۸/۶	۸/۶	۹/۰	۹/۶
۴	۲۹۰/۱	۲۹/۳	۳۵/۵	۱۰/۱	۹/۴	۹/۴	۹/۰	۱۰/۰
۵	۳۰۱/۷	۲۹/۸	۳۹/۱	۱۰/۵	۹/۵	۹/۵	۱۰/۰	۱۰/۴
۶	۳۰۸/۷	۳۲/۴	۴۱/۴	۱۰/۸	۱۰/۴	۱۰/۴	۱۰/۶	۱۰/۷
۷	۳۲۲/۹	۳۲/۹	۴۰/۸	۱۱/۳	۱۰/۶	۱۰/۶	۱۰/۴	۱۱/۱
۸	۳۲۱/۴	۳۴/۷	۴۲/۸	۱۱/۲	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۰/۹	۱۱/۲
۹	۲۹۴/۶	۳۳/۴	۴۴/۰	۱۰/۳	۱۰/۷	۱۰/۷	۱۱/۲	۱۰/۴
۱۰	۳۱۱/۶	۳۹/۸	۵۰/۴	۱۰/۹	۱۲/۷	۱۲/۷	۱۲/۹	۱۱/۳
کل	۲۸۶/۰	۳۱/۲	۳۹/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

ماخذ: محاسبات تحقیق براساس داده‌های مرکز آمار ایران و وزارت بازرگانی

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که منافع حاصل از یارانه‌ی نان در مناطق مختلف و همچنین گروه‌های مختلف بیش از دو کالای دیگر روغن خوراکی و قند و شکر است که این امر ناشی از پرداخت یارانه‌ی بیش‌تر از سوی دولت برای نان و همچنین مصرف سرانه‌ی بیش‌تر این کالا است. از طرف دیگر توزیع یارانه و منافع حاصل از آن در مناطق مختلف و گروه‌های مختلف درآمدی نیز نشان دهنده‌ی آن است که سیستم فعلی پرداخت یارانه در برخی موارد به سمت گروه‌های غیرهدف انحراف داشته و در مقایسه با گروه‌های نیازمند از

بهره‌مندی بیش‌تری برخوردار شده‌اند. مطالعه‌ی فقیهی (۱۳۶۸) در ایران، احمد و هم‌کاران (۲۰۰۱) در مصر و لارکی (۱۹۸۸) در مراکش نیز این موضوع را تایید می‌کند. پس نظام فعلی پرداخت یارانه از کارایی لازم برخوردار نبوده و باعث هدررفت منابع می‌شود زیرا پایین بودن قیمت نان به‌عنوان یکی از اقلام مهم یارانه‌ای باعث کاهش کیفیت و افزایش ضایعات آن شده است، اما در عین حال این وضعیت پرداخت می‌تواند به‌بود تغذیه و امنیت غذایی گروه‌های فقیر کمک کند و حذف یک‌باره‌ی آن می‌تواند وضعیت تغذیه‌ای گروه‌های فقیر را بیش‌تر تحت تاثیر قرار دهد (خداداد کاشی و حیدری (۱۳۸۳)، دینی ترکمانی (۱۳۷۳)، احمد و هم‌کاران (۲۰۰۱)). بنابراین پیش‌نهاد می‌شود برای جلوگیری از هدررفت منابع و کاهش بار مالی دولت و از طرف دیگر کاهش فقر و حمایت از گروه‌های نیازمند در هدف‌مندی یارانه‌ی غذا اقدام شود و برای انتخاب شیوه‌ی هدف‌مندی می‌توان از تجربه‌ی سایر کشورها مانند مصر استفاده کرد که گروه‌های نیازمند و غیرنیازمند با دریافت کارت‌های ویژه، مقادیر متفاوتی کالای یارانه‌ای دریافت می‌کنند.

### منابع

- احمدوند م. و اسلامی، س. (۱۳۸۴) مروری اجمالی بر روند یارانه‌های پرداختی دولت طی دوره‌ی (۸۲-۸۵). ماهنامه‌ی بررسی‌های بازرگانی، ۱۳: ۴۵-۴.
- بخشوده، م. و شوشتریان، آ. (۱۳۸۴) بررسی آثار آزادسازی بازار گندم روی فقر در ایران، پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، ۳۷: ۴۵۰-۲۲۵.
- پروین، س. و زندی، ر. (۱۳۸۰) اثر سیاست‌های تعدیل بر فقر و توزیع درآمد (مطالعه‌ی موردی سیاست‌های برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران). مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، ۵۸: ۴۶-۱۱۳.
- حسینی، س. ش. و مالکی، ا. (۱۳۸۴) روش پرداخت یارانه و معیارهای انتخاب آن، بررسی تجربه‌ی کشورهای منتخب و ایران. ماهنامه‌ی بررسی‌های بازرگانی، ۱۳: ۴۵-۴.

خدادادکاشی، ف. و حیدری، خ. (۱۳۸۳) ارزیابی نقش اقلام یارانه‌ای خوراکی در سبب  
مصرفی خانوارهای شهری و روستایی. فصل‌نامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، ۳۲:  
۴۱-۵۴.

دینی ترکمانی، ع (۱۳۷۳) تأثیر حذف یارانه نان بر فقر مطلق، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۹۰:  
۸۹.

دینی ترکمانی، ع. (۱۳۸۴) یارانه‌ها، رشد و فقر. فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی رفاه  
اجتماعی، ۱۸: ۳۰-۱.

جعفری ثانی، م. (۱۳۸۵) بررسی توزیع زمانی و مکانی فقر و ناامنی غذایی در ایران. پایان‌نامه‌ی  
کارشناسی ارشد، بخش اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شیراز.

رحمتی، د. (۱۳۸۵) تأثیر کاهش تعرفه‌های وارداتی بر فقر: چارچوب تعادل عمومی قابل  
محاسبه. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، بخش اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شیراز.

رحیمی، ع. و کلانتری، ع. (۱۳۷۹) بررسی اقتصادی یارانه. چاپ سوم، انتشارات  
موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (۱۳۸۰) مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری هزینه  
و درآمد خانوار. تهران.

ضیایی، م. (۱۳۸۱) نظام توزیع یارانه‌ها و توسعه‌ی شهرنشینی در ایران. پژوهش‌های جغرافیایی،  
۴۲: ۶۵-۷۴.

فقیهی، م. (۱۳۶۹) بررسی تاثیر سیاست‌های حمایتی دولت بر مصرف اقلام خوراکی تحت شمول آن. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تهران، تهران.

فرج‌زاده، ذ. (۱۳۸۲) هدف‌مند کردن یارانه‌ها و کاهش فقر. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه شیراز.

محمودی، ا. و نجفی، ب. (۱۳۸۲) بررسی وضعیت امنیت غذایی در قشرهای کم‌درآمد بعد از حذف یارانه‌ی نان (از دیدگاه اقتصادی). مجموعه‌ی مقالات همایش کشاورزی و توسعه‌ی ملی، ۹۳۰-۹۵۲.

- Ahmed, A., Bouis, H. W., Gutner, T. and Lofgren, . (2001) The Egyptian food subsidy system structure, performance, and options for reform research. *International Food Policy Research Institute Washington, D.C.*
- Ahmed, A. U. and Bouis, H. E. (2002) Weighing what's practical: Proxy means tests for targeting food subsidies in Egypt, *International Food Policy Research Institute Washington, D.C. Discussion Paper, No. 132.*
- Grosh, M. E. (1994) Administering targeted social programs in Latin America: From platitudes to practice. *World Bank, Washington, D.C.*
- Kochar, A. (2005) Can targeted food programs improve nutrition? An empirical analysis of India's public distribution system, *Economic Development and Cultural Change*, 54(1): 203-235.
- Laraki, K. (1988) Food subsidies: A case study of price reform in Morocco, Living Standard Measurement Study, Working Paper No. 50.
- Ramaswami, B. and Balakrishnan, P. (2002) Food prices and the efficiency of public intervention, The case of the public distribution system in India, *Food Policy*, 27: 419-436.
- Tuck, L. and Lindert, K. (1996) From universal food subsidies to a self-targeted program: A case study in Tunisian reform. *Discussion Paper, 351. Washington, D.C. World Bank.*